



چشم‌اندازهای آتی
نشر و چشم‌اندازهای آتی
یارانه‌های دولتی برای نشر و چشم‌اندازهای آتی

حاضران در جلسه:

- حمید محسنی:
- دبیر جلسه و مدیر مسئول انتشارات کتابدار
- دکتر محسن پرویز:
- معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ابوالفضل هاشمی:
- مدیر مسئول انتشارات دبیرش
- بیژن علیپور:
- مدیر مسئول انتشارات نسل نواندیش

محسنی: موضوع نشست امروز بررسی «یارانه‌های دولتی در حوزه نشر و چشم‌اندازهای آتی آن» است. یارانه در سطوح مختلف بین‌المللی و ملی مطرح و از دیدگاه‌های مختلفی قابل بررسی است. در سطوح بین‌المللی کشورها از صنایع ملی خود حمایت می‌کنند. معمولاً حوزه فرهنگ، هم در سطح ملی و هم در سطح جهانی بیش از حوزه‌های دیگر مورد توجه است، زیرا از حوزه‌های دیگر اثرگذارتر و آسیب‌پذیرتر است. در حوزه فرهنگ، مسئله نشر یکی از مقولاتی است که به دلیل اهمیتش، معمولاً از سوی دولت‌ها حمایت می‌شود. این امر مخالفان و موافقانی دارد، بعضی از مخالفت‌ها به دلیل شیوه عمل و پرداخت یارانه و همچنین تبعیض در پرداخت یارانه است. روش‌هایی که معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاید در مواردی باعث سوءاستفاده شود. به هر شکل نفس حمایت هیچ‌وقت مورد غفلت نبوده و اکثریت با این حمایت موافق‌اند، منتهی درباره روش‌های پرداخت یارانه و اینکه چه کسانی باید دریافت‌کننده یارانه باشند، اختلاف نظرهایی وجود دارد. آیا همه آثار باید یارانه دریافت کنند؟ کمیت یارانه باید چگونه باشد؟ چقدر یارانه باید پرداخت شود؟ آیا یارانه باید به اندازه‌ای باشد که ناشر فقط حضور داشته باشد یا به گونه‌ای حمایت شود که مستقل و خودکفا شود؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی نظیر آنها، محورهای این نشست هستند. حاضران در این نشست، صاحب تجربه‌های بسیار ارزشمندی هستند. ابتدا از آقای علیپور می‌خواهم که دیدگاه‌هایشان را درباره وضع فعلی یارانه در حوزه نشر و چشم‌اندازهایی که برای آن قائل‌اند، مطرح کنند.

علیپور: ناشر اگر به شکل حرفه‌ای کار کند، احتیاجی به یارانه دولتی ندارد. این یارانه باید به دست مصرف‌کننده برسد. اگر بخواهیم نگاه حرفه‌ای به نشر داشته باشیم، دلیلی ندارد که وقتی که فردی شغلی انتخاب می‌کند و می‌خواهد تولیدکننده باشد، مورد حمایت گسترده دولت باشد. الان بسیاری از ناشران در منازل‌شان فعالیت می‌کنند و اصلاً به شکل حرفه‌ای به صنعت نشر نگاه نمی‌کنند و این یکی از معضلات نشر ماست. برای اینکه نشر ما پیشرفت کند باید ناشر به صورت حرفه‌ای به صنعت نشر نگاه کند و حتی کارورزش حرفه‌ای باشند. اگر اینگونه باشد، قطعاً نیازی به حمایت دولتی ندارد. این حمایت باید به دست مصرف‌کننده برسد و کاری که وزارت



علیپور:

اگر ناشر به شکل حرفه‌ای کار کند، احتیاجی به یارانه دولتی ندارد. این یارانه باید به دست مصرف‌کننده برسد. اگر بخواهیم نگاه حرفه‌ای به نشر داشته باشیم، دلیلی ندارد وقتی که فردی شغلی انتخاب می‌کند و می‌خواهد تولیدکننده باشد، مورد حمایت گسترده دولت قرار گیرد

فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند انجام دهد، این است که از ناشر در سال اول فعالیتش حمایت کند. در غیر این صورت ناشر به وزارت ارشاد و یارانه‌های دولتی کاملاً وابسته می‌شود و موجب بروز مشکلاتی در صنعت نشر می‌شود. اگر به شکل حرفه‌ای کار کند و برای انتخاب کتاب، نوع کار و تبلیغاتش زمان بگذارد، قطعاً کتاب‌هایش فروش خواهد رفت و نیازی به یارانه‌های دولتی ندارد.

محسنی: آقای هاشمی دیدگاه شما درباره بحث یارانه و چشم‌اندازهای آن چیست؟

هاشمی: من تصور نمی‌کنم کسی منکر وجود یارانه باشد. توسعه فرهنگی نیاز به توجه دارد. ولی قطعاً این توجه حتماً نباید یارانه ریالی باشد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند زمینه را به نوعی مساعد کند که ناشران بتوانند کار نشر را خودشان دستشان بگیرند و بازار نشر را خودشان بچرخانند. الآن عملاً احساس می‌کنیم که به سمت دولتی شدن سیاست نشر پیش می‌رویم. با توجه به اینکه یارانه‌ها به ناشر دولتی داده می‌شود و شاید هم به دلیل اینکه بسیاری از یارانه‌ها به بخش ناچیزی از ناشران پرداخت می‌شود، و ناشران دیگر، به خصوص ناشران تخصصی، کم‌کم از گردونه خارج می‌شوند.

نشر کتاب شامل پنج تا شش مرحله است: تألیف، ویراستاری، تهیه مواد اولیه، آماده‌سازی، چاپ، توزیع و استفاده از کتاب. استفاده‌کننده از کتاب، کتابخانه و خواننده است. متأسفانه از این مراحل یارانه فقط به مرحله سوم یعنی تهیه مواد اولیه تعلق می‌گیرد. آرزوی یک جامعه فرهنگی این است که کتابخانه‌های بسیار خوب، به‌روز و اطلاع‌رسانی داشته باشند. مؤلف هم به یارانه برای تهیه ابزار مناسب تحقیق نیاز دارد، درحالی‌که یارانه شامل آنها نمی‌شود. از طرف دیگر کتابخانه‌ها هم به این اطلاعات که در جامعه تولید می‌شود، نیاز دارند که متأسفانه بسیاری از کتاب‌ها به کتابخانه‌ها نمی‌رسد. در سال ۱۳۸۴، ۵۴ هزار و پانصد کتاب در کشور چاپ شد. اما از این تعداد، چند کتاب به کتابخانه‌ها، به خصوص کتابخانه‌های عمومی - که مهم‌ترین کتابخانه‌های کشورهای پیشرفته‌اند - رسیده است؟ پس من در مقام ناشر، مؤلف و استفاده‌کننده دوست دارم که یارانه باشد، اما یارانه را ریالی تعریف نمی‌کنم. با وجود اینکه از یارانه‌های ریالی مثل کاغذ هم در شرایط حساس نمی‌شود، صرف‌نظر کرد. ما می‌توانیم از نمونه‌هایی مثل نمایشگاه فرانکفورت درباره واگذاری نمایشگاه به بخش خصوصی الگوبرداری کنیم. نمایشگاه فرانکفورت را شرکتی وابسته به اتحادیه ناشران برگزار می‌کند. از سوی دیگر متأسفانه هر روز وابستگی نشر ما به دولت بیشتر می‌شود، ناشر دولتی، چاپخانه دولتی، موزع دولتی و اخیراً شنیدیم که بخش کتاب دولتی هم قرار است، برپا شود.

محسنی: استنباط من این است که دوستان معتقدند که یارانه باید باشد، اما درباره روش استفاده از آن بحث است. آقای دکتر پرویز نظر شما چیست؟

دکتر پرویز: یارانه در همه جای دنیا به بخش فرهنگ پرداخت می‌شود، چه در کشورهایی که به جای مالیات، افراد می‌توانند به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی کمک کنند و از مالیات آنان کم می‌شود و چه در کشورهایی که خود دولت مستقیماً یارانه پرداخت می‌کند. تقریباً در همه کشورها، حتی در کشورهای فقیر هم یارانه پرداخت می‌شود. اما در حوزه فرهنگ این یارانه به چه کسی و چه چیزی پرداخت می‌شود و چه روشی در این زمینه موفق است. این مسئله جای بحث بسیار دارد. باید نمونه‌های موفق را انتخاب کنیم و به نتیجه برسیم. هر یک از ما نتایجی در ذهنمان هست که محصول مطالعات و تجربه‌های گذشته ماست. گاهی هم به نوعی با منافع و موقعیت شخصی و گروهی و جایگاه حقوقی و مسائلی از این قبیل پیوند می‌خورد. به نظر بنده بر اساس آن نتایجی که می‌گیریم، محصول فرهنگی باید یارانه دریافت کند. عوامل تولید محصول فرهنگی باید به صورت غیرمستقیم از یارانه بهره‌مند باشند، در غیر این صورت فساد به وجود می‌آید. یک‌بار خبرنگاری از من پرسید که شما یارانه ناشران را قطع می‌کنید، چه چیزی می‌خواهید جایگزین کنید. نکته‌ای به او گفتم، الآن فکر می‌کنم جا دارد که تکرار کنم. از فرمایش آقای علیپور هم اینطور استنباط می‌شود که ما تشکیک می‌کنیم که چرا باید به ناشران یارانه بدهیم. من می‌خواهم بگویم که اساس این فرض نشان‌دهنده بطلان نوع یارانه‌ای است که ما می‌پردازیم. در کشور ما پرداخت یارانه به کتاب اینگونه بوده که کاغذ را به قیمت دولتی به ناشر می‌دادند. تعبیر همه ما از این موضوع چیست؟ می‌گوییم به ناشران یارانه می‌دادند، یعنی انحراف را پذیرفته‌ایم. ولی اصل ماجرا یارانه به کاغذ بوده است. مثل این می‌ماند. این مثال را برای آن خبرنگار هم زدم - که ما الآن به آرد یارانه



هاشمی:

به نظر من کتاب و نشر باید از محوریت تهران خارج شود تا مثلاً مصرف‌کننده سیستان و بلوچستانی مجبور نشود برای نمایشگاه کتاب، خودش را با مشقت به تهران برساند

می‌دهیم و آرد هم در اختیار نانو می‌گذاریم. اگر فردا یارانه آرد را قطع کنیم، نانوها باید تظاهرات کنند و بگویند که چرا یارانه ما را قطع کردید. اگر اینطور شد، یعنی اینکه انحرافی اتفاق افتاده است، یعنی آرد دولتی که در اختیار نانو گذاشته شده است، او فرض را بر این گذاشته که این نوعی یارانه به خودش است و نتیجه این شده، که بعضی از نانوها یک مغازه نان فانتزی هم دارند. کامیون آردشان که خالی می‌شد، شبانه یک وانت از این آرد به مغازه نان فانتزی می‌بردند و آنجا به نان فانتزی تبدیل می‌کردند و به قیمت آزاد به دست مردم می‌دادند. تصور ما درباره یارانه کاغذ باید کمی اصلاح شود. یارانه به ناشر داده نمی‌شود، بلکه به کاغذ داده می‌شود، برای اینکه قیمت کتاب ارزان شود. پس اگر کسی کاغذ یارانه‌ای گرفت و کتابی که با قیمت مثلاً ۲۰ تومان تولید کرد، ۲۲ تومان صفحه‌ای قیمت زد به معنای این است که آن آرد دولتی را شبانه از انوایی به انوایی فانتزی فرستاده است. بعد این مسئله آنقدر در بدنه گسترش پیدا کرده که بعضی‌ها این را حق خودشان دانستند و تصورشان این شده که یارانه به ناشران پرداخت می‌شده و حالا حذف شده است. به اعتقاد من ناشران نباید یارانه بگیرند. من با آن بخش از نظراتی که درباره حرفه‌ای شدن نشر مطرح شد، موافق‌ام. اما مرد میدان کیست؟ نه هزار ناشر داریم، وقتی صحبت ناشران حرفه‌ای می‌شود، به دوهزار ناشر کاهش می‌یابند. چه کسی می‌تواند پروانه این هفت‌هزار ناشر را باطل و بعد تحمل کند که بگویند سیاست‌های مخرب این فرد باعث شد که تعداد ناشران به یک‌پنجم تقلیل پیدا کند. سیاست‌های تبلیغاتی ما حتی در عرصه‌های فرهنگی هم گاهی اینطوری می‌شود که جابه‌جایی یارانه به‌گونه‌ای در اذهان جای می‌گیرد که یارانه‌ها حذف شده است و کسی اصلاً سؤال برایش ایجاد نمی‌شود که چرا این جابه‌جایی اتفاق افتاد.

به نظر من ناشر هم باید به اندازه مؤلف و یا حتی موزع از یارانه استفاده کند. مگر شغل نشر از حرفه تألیف و ترجمه متمایز است؟ تولیدکننده اصلی، تولیدکننده فکر است؛ چرا باید به او یارانه تعلق نگیرد. یارانه به کسی داده شود که کارش فقط تبدیل این اندیشه به کتاب است؛ توزیع‌کننده هم که کار اقتصادی می‌کند، با ناشر چه فرقی دارد؟ نشر هم یک کار اقتصادی، اما در عرصه فرهنگ است. به نظرم یارانه باید هم به ناشر و هم به مؤلف داده شود. اگر یارانه به محصول فرهنگی اختصاص یابد، شاید نتایج بهتری داشته باشد. هم ناشری که تولید فرهنگی می‌کند، بهره‌مند می‌شود و هم مؤلفی که اندیشه‌اش را در خدمت فرهنگ گذاشته، بهره‌مند می‌شود و هم عوامل دیگری که در تولید کتاب نقش داشته‌اند.

صحبتی مطرح شد که همان‌طور که نمایشگاه فرانکفورت را یک شرکت وابسته به اتحادیه ناشران برگزار می‌کند، نمایشگاه کتاب تهران را هم باید اتحادیه ناشران برگزار کند. چرا اتحادیه برگزار نمی‌کند؟ پرسیده‌اید که چرا این اتفاق نمی‌افتد، یعنی اگر اتحادیه ناشران بخواهد نمایشگاه کتاب برگزار کند، کسی از آن جلوگیری می‌کند. مگر در آلمان دولت گفته است که اتحادیه ناشران نمایشگاه کتاب برگزار کند. تقریباً سه ماه پیش انجمن توزیع‌کنندگان و واردکنندگان کتاب خارجی که ۸۰، ۹۰ درصد واردات کتاب‌های لاتین نمایشگاه برعهده آنهاست، نمایشگاه کتاب‌های دانشگاهی را در خیابان حجاب برگزار کرد، کسی مگر ممانعت کرد. خود اتحادیه ناشران باید اقدام کند. اینکه ما پخش کتاب دولتی را ناموفق بدانیم، اینها را نمی‌توان در بست پذیرفت. اصلاً مگر ما نشر غیردولتی داریم، کل سیستم نشر ما دولتی است. بدین معنا که بهره‌اش را افراد خصوصی می‌برند و استفاده‌اش را دولت نمی‌برد. بخش خصوصی هم داریم، ولی اینکه نشرمان، غیر دولتی است، به‌گمانم جای تأمل دارد. گردش مالی و اقتصاد نشر ما در سال ۸۴ حدود ۳۰۰ میلیارد تومان پشت جلد کتاب‌ها بوده است. ۳۰ درصد از این مبلغ، قیمت تمام‌شده کتاب‌هاست. به جز کتاب‌های حوزه دین، اغلب ناشران قیمت کتاب‌ها را در سه و بعضی‌ها هم بیشتر ضرب می‌کنند. سال ۸۴ میزان یارانه‌ای که فقط به کاغذ تعلق گرفته، حدود ۱۱۰ میلیارد تومان است، یعنی تقریباً بیش از رقمی که صرف تولید کتاب شد. دیگر اینجا بحث کردن درباره ناشر خصوصی به نظرم بی‌معناست.

محسنی: آقای علیپور درباره یارانه، بحث‌هایی را مطرح کردید. ولی اینکه یارانه چگونه عرضه شود، پیشنهاد خودتان را هم مطرح کنید.

علیپور: آقای دکتر پرویز گفتند که ما یارانه را به نشر نمی‌دهیم، به کاغذ می‌دهیم و ناشران، کاغذ دولتی می‌گیرند، ولی به قیمت آزاد می‌فروشند. واقعیت این است که اصلاً این کاغذ صرف کتاب نمی‌شود. یک بخش از

علیپور:
وقتی که نمایشگاه‌های
استانی برگزار می‌شود،
کتاب‌فروشی‌های
منطقه تا مدت‌ها ضعیف
می‌شوند. اگر قرار است
این نمایشگاه‌ها برگزار
شود، بهتر است که به
کتاب‌فروشی‌های هر
منطقه و شهرستان
واگذار شود

این کاغذ سر از بازار آزاد درمی‌آورد. پس این باید کاملاً قطع شود تا ناشر بتواند خودش کاغذ آزاد تهیه کند. بخش دیگری از یارانه‌ها، فقط کاغذ نیست. نمایشگاه‌های استانی را که مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی برگزار می‌کند، دقیقاً کمک به ناشر است و همه ما می‌دانیم که وقتی که این نمایشگاه‌ها برگزار می‌شود، کتاب‌فروشی‌های منطقه تا مدت‌ها ضعیف می‌شوند. اگر قرار است این نمایشگاه‌ها برگزار شود، بهتر است که به کتاب‌فروشی‌های هر منطقه و هر شهرستان واگذار شود. نکته‌ای هم که مطرح شد، یارانه به مؤلف و پدیدآورنده پرداخت شود، من با این قضیه موافق نیستم. این ناشر است که باید از مؤلف و پدیدآورنده حمایت کند و ناشر باید آنقدر توان داشته باشد که بتواند از مؤلف و مترجم حمایت کند. به نظر بنده یارانه باید از سیستم نشر حذف شود و به مصرف‌کننده اختصاص یابد. یعنی فقط مصرف‌کننده حمایت شود. از ناشر فقط در سال اول و دوم فعالیتش باید حمایت شود. بعد از آن به سمت مصرف‌کننده سوق پیدا کند.

درخصوص سرمایه‌گذاری روی محصول، می‌توانیم روی کتاب‌خوانی تبلیغ کنیم. فروشگاه‌های بیشتری ایجاد کنیم و روی کتاب‌فروشی‌ها سرمایه‌گذاری کنیم. به اعتقاد من، ناشر واقعی کسی است که وقتی صبح از خانه بیرون می‌آید، به جای اینکه برای گرفتن کاغذ به اتحادیه برود، به دفتر کارش برود و فکر کند که چطور کتاب خوب منتشر کند و چگونه مشتری جذب کند و کتاب‌هایش را به فروش برساند. اگر ما به این سمت برویم، در نشر ما تحولی ایجاد می‌شود و می‌تواند به دولت وابسته نباشد.

هاشمی: من قبل از هر چیز از آقای دکتر پرویز ممنونم که به‌صورت شفاف گفتند که ناشر خصوصی نداریم. یعنی یا سیاست‌های نشرمان تاکنون اشتباه بوده که ناشران را به خودمان وابسته کرده‌ایم؛ اینکه ناشر نباید تصمیم‌گیری کند و ارشاد به جای ناشر تصمیم‌گیری می‌کند. من فکر می‌کنم این سیاست، مناسب نباشد. من تصور می‌کنم باید سهم بیشتری از یارانه به ناشر اختصاص یابد. چون ناشر سرمایه و زمان می‌گذارد. مؤلف که کتاب را می‌آورد، خود ناشر به مؤلف یارانه می‌دهد. مؤلف که کار را رایگان به ناشر نمی‌دهد، پولش را می‌گیرد که ممکن است کوتاه مدت یا بلند مدت باشد و موزع هم به همین صورت است. موزع ۳۰، ۳۵ و الآن ۴۰ درصد پشت جلد را می‌گیرد. بسیاری از موزعان پول نقد هم نمی‌دهند. بعد از دو، سه ماه حساب می‌کنند. هرچقدر فروختند یک چک پنج، شش ماهه می‌دهند. پس اینجا موزعان هم ضرر نمی‌کنند. فکر خوبی است که یارانه به محصول پرداخته شود، اما کدام محصول از نظر وزارت فرهنگ و ارشاد، محصول شناخته شده و قابل پذیرش است که ناشران آن محصول را تولید کنند. الآن متأسفانه در جامعه ما خطرپذیری متوجه ناشران است. یعنی ممکن است کتابی را چاپ کنند که در انبارشان بماند و نه موزع و نه ارشاد و نه مؤلف و نه خواننده هیچ کسی کاری، به اینکه این کتاب فروش رفته یا نرفته است، ندارد.

به نظر من کتاب و نشر باید از محوریت تهران خارج شود تا آن مصرف‌کننده سیستان و بلوچستانی مجبور نشود برای نمایشگاه کتاب خودش را با مشقت به تهران برساند. چرا ما تمام هزینه‌ها، بودجه‌ها و اعتبارات را به گروهی از ناشران در تهران یا به برخی از محصولات در تهران پرداخت می‌کنیم. از آقای پرویز من تشکر می‌کنم از زمانی که این مسئولیت را پذیرفته‌اند، یارانه‌های بسیاری به کتابخانه‌ها داده شده و به نظرم اگر کتابخانه‌ها تقویت شوند و کتابخانه‌های اطلاع‌رسان و غنی داشته باشیم، دیگر شاید نیاز نباشد که بگوییم که مصرف‌کننده باید از ناشر خرید کند. من دیگر دنبال مصرف‌کننده نهایی خودم در کتابخانه‌ها می‌گردم نه در جامعه. الآن شرایط به‌گونه‌ای است که روی فضای فروش باید کار شود و فضای فروش در اختیار ناشر قرار گیرد.

دکتر پرویز: ظاهراً همه دست‌اندرکاران نشر می‌پذیرند که بخشی از کاغذی که یارانه می‌گرفته، اصلاً وارد صنعت نشر نمی‌شده است. درباره نمایشگاه‌های کتاب استانی مطلبی مطرح شد. درباره این مسئله باید کمی تأمل شود. در جلسه‌ای با بعضی از نمایندگان اتحادیه‌های نشر درباره نمایشگاه‌های استانی بحث شد. تعداد زیادی از نمایندگان اتحادیه‌های نشر به‌شدت موافق این امر بودند و بعد من گفتم که تعجب می‌کنم اتحادیه که تنها اتحادیه ناشران نیست، کتابفروشان هم عضو آن هستند، باید به فکر آن‌ها هم باشد. ناشران و کتابفروش‌ها توجه دارند که ممکن است نمایشگاه‌های کتاب استانی کمکی به ناشر باشد، اما به کتابفروش لطمه می‌زند. بعد همان دوستانی که در آن جلسه موافق نمایشگاه استانی بودند، نامه نوشتند که این کار به کتابفروش‌ها لطمه شدیدی می‌زند! اما واقعیت این است که به‌صورت انتزاعی شاید تصور کنیم که کتابفروش‌ها حتماً



دکتر پرویز:
اگر یارانه به محصول
فرهنگی اختصاص یابد، هم
ناشری که تولید فرهنگی
می کند، بهره مند می شود و
هم مؤلفی که اندیشه اش را
در خدمت فرهنگ گذاشته،
و هم عوامل دیگری که در
تولید کتاب نقش داشته اند

متضرر می شوند، ولی تجربه نشان داده که اینطور نیست. به نظرم برآورد مالی نمایشگاه کتاب تبریز حدود ۷۰۰ میلیون- اگر اشتباه نکنم- بود که آنجا کتاب عرضه و فروخته شد. با کتابفروشان به طور تصادفی مصاحبه کرده بودند و آنها از برگزاری نمایشگاه ابراز خوشحالی می کردند، چون معتقد بودند که به رونق کتابخوانی کمک می کند و آنها مشتری پیدا می کنند. استدلالشان هم استدلال درستی بود. می گفتند نمایشگاه یک هفته است. عده ای می آیند در این نمایشگاه کتاب می خردند و تبلیغ زیادی برای کتاب در این دوران می شود. یک هفته ممکن است که کار کتابفروشان محلی تعطیل شود، ولی رونق کتابخوانی به هر شکلی که باشد اقتصاد کتابفروشان را در درازمدت دچار اختلال نمی کند.

مشکل اصلی نشر، فقدان ویتترین کتاب است. چرا ناشرها اگر نمایشگاه های کتاب نباشد ممکن است دچار ورشکستگی شوند؟ چرا ناشران از حضور در نمایشگاه های کتاب استقبال می کنند و حتی متقاضی تمدید زمانش هستند؟ چرا نگران اند نمایشگاه کتاب جابه جا شود و مردم دیگر نیابند؟ به دلیل اینکه اقتصاد نشر ما به این وابسته شده است. چرا ناشران کوچک دغدغه زیادی دارند و ناشران بزرگ خیلی شاید دغدغه نداشته باشند و بگویند ما در نمایشگاه کتاب استانی شرکت نمی کنیم یا در نمایشگاه تهران هم شاید بعضی هایشان خیلی راغب نباشند یا حداقل اینطور نشان دهند. برای اینکه آنها ویتترین کتاب دارند. کتاب هایشان را می توانند بفروشند. آنها می که ندارند، دچار مشکل می شوند. اگر نمایشگاه کتاب نباشد، همان تعدادی هم که در این نشر مانده اند، دیگر نمی مانند. برای اینکه دیگر نمی توانند کتاب عرضه کنند. کتابی اگر با تیراژ ۵۰۰ نسخه هم چاپ شود، در انبار بماند، بهترین کتاب عالم هم باشد، طبیعی است که فروش نمی رود. اطلاع رسانی و ویتترین های کتابها اشکال دارد. در سال حدود ۵۱ تا ۵۲ هزار عنوان کتاب منتشر می شود. اما چند ویتترین و با چه کیفیتی برای این تعداد عنوان وجود دارد؟ اینها مشکلات نشر است.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برخی از دوره ها برای حمایت برنامه ریزی کرده است، اما هدفش این نبوده است که همه را وابسته کند. وابسته کند که مثلاً کتاب فال گیری چاپ و توزیع شود. طبیعتاً کسی در هیچ دوره ای در وزارت فرهنگ و ارشاد چنین نظری نداشته است. عرصه نشر دچار پیچیدگی هایی است که باید همه بخش هایش با هم بررسی و ارزیابی شود. آیا خطرپذیری فقط متوجه ناشر است که باز به نظر من اینطور نیست. سرمایه که فقط سرمایه مالی نیست، سرمایه فکری هم است. اگر مؤلفی کتاب نوشت و فروش نرفت، ضربه روحی می خورد و آثار بعدی اش را به سختی می نویسد. با جرئت عرض می کنم که بیشتر نویسندگان موفق و مطرح امروز ما، موفقیت خودشان را مرهون این هستند که قدرت چاپ و توزیع کتاب هایشان را داشته اند. حالا به انواع مختلف یا در سیستم دولتی، یا در بخشی که عنوان خصوصی دارد. اگر مؤلفی کتابی نوشت، کتاب چاپ نشد یا چاپ شد و توزیع درست نشد، او کتاب بعدی اش را دیگر نمی تواند تألیف کند. نمی نویسد که انبار کند، می نویسد که با مردم حرف بزنند. این خطرپذیری متوجه همه بخش هاست. به همین دلیل هم باید همه بخش ها را در نظر بگیریم.

اما چطور می توانیم بخش کتاب را تقویت کنیم و یارانه را به محصول فرهنگی تبدیل کنیم. آیا آماری گرفته شده که چقدر از کتاب های برگزیده جمهوری اسلامی ایران الآن در بازار موجود است. بنده، مقصودم کتاب های حوزه اندیشه و ادبیات است که هیچ وقت کهنه نمی شود و نه کتاب های علمی که شاید گفته شود که کتاب های علمی تر آمده است. آمار بگیریم و ببینیم در ۲۵ دوره جایزه کتاب سال، چه تعداد از کتاب های برگزیده یا تقدیری، الآن در بازار نشر وجود دارد. چرا خیلی هایشان الآن موجود نیستند؟ بعضی هایشان یک بار چاپ خورده و کتاب سال شده و بعد هم فراموش شده و اصلاً در بازار نیست. آیا این محصول که امتحانش را پس داده، شایسته تر نیست که حمایت شود. یا حداقل در اولویت حمایت قرار گیرد. به نظرم حمایت عمومی که بعضی ها مدنظرشان است، درست نیست، که از همه کتاب هایی که منتشر می شود، حمایت شود. مثلاً هزار نسخه از هر کتاب را دولت بخرد و رایگان توزیع کند. به گمانم فایده ای ندارد و کار را خراب می کند، چون ناشر می گوید که هزار نسخه ارشاد می خرد و خیالش راحت می شود و از این طریق کتاب سازی تقویت می شود و تیراژ و تولید بالا می رود، ولی آیا فرهنگ تقویت می شود؟

مطلبی (شرکت کننده): من نکته ای را می خواهم مطرح کنم که شاید در بخش یارانه جای بحث داشته باشد.

دکتر پرویز:
با برگزاری
نمایشگاه‌های استانی
کتاب، ممکن است یک
هفته کار کتاب‌فروشان
محلی تعطیل شود، ولی
رونق کتاب‌خوانی به هر
شکلی که باشد، اقتصاد
کتاب‌فروش‌ها را در
درازمدت دچار اخلال
نمی‌کند

متأسفانه مراکز اطلاع‌رسانی کتاب، شاید به اندازه انگلستان دست هم نباشند. در تهران، این کار به عهده خانه کتاب است که به نیازهای عموم مردم پاسخ می‌دهد و نیز کتابخانه ملی که به نیازهای کتابداران و اقشار خاصی پاسخ می‌دهد. جز این دو، نهاد و مؤسسه دیگری - آنچنان که شایسته است - برای اطلاع‌رسانی وجود ندارد. در ایام نمایشگاه شاهدیم که مردم از سراسر کشور به نمایشگاه مراجعه می‌کنند و دسته‌دسته کتاب می‌خرند و پست می‌کنند. آیا این واقعاً نیاز کل سال اینهاست؟ تصور نمی‌کنم. اینها بسیاری از نیازهای اطلاعاتی‌شان را در طول سال با حدس و گمان و مشاوره با صاحب‌نظران و به طرق دیگری برطرف می‌کنند. من فکر می‌کنم که شاید بتوان بخشی از یارانه‌های حوزه نشر را هم به مراکز دولتی و هم بخش خصوصی که کار اطلاع‌رسانی می‌کنند اختصاص داد. اختصاص یارانه‌های نشر به این بخش می‌تواند هم به ویتترین و هم به سکوی فروش کمک کند. در بخش ویتترین فروش واقعاً مشکل وجود دارد. من شاهد بودم که بسیاری، از شهرستان‌های خیلی دور به نمایشگاه می‌آیند و کتاب‌هایشان را پس از خرید، به شهرستان ارسال می‌کنند. فکر می‌کنم با اختصاص دادن یارانه به بخش فروش مکانیزه و فعالان این حوزه، بتوان از این روش برای عرضه کتاب در سطح ملی و حتی روستاها استفاده کرد. شاید بشود با اختصاص بخشی از یارانه‌های دولتی به این مراکز و با اطلاع‌رسانی وسیع‌تر و ایجاد زیرساخت درست اطلاع‌رسانی و ارسال کتاب به صورت نظام‌های الکترونیکی، پست و نظایر آن به رونق صنعت نشر کمک کرد.

محسنی: می‌توانم نتیجه‌گیری کنم که از دلایلی که مردم کتاب نمی‌خرند یا نمی‌خوانند عدم احساس نیاز نیست، بلکه از کتاب‌های که با توجه به نیازشان چاپ شده، اطلاعی ندارند اگر اطلاع هم دارند، احتمالاً به آنها دسترسی ندارند. فکر می‌کنم پیشنهاد خوبی است اگر به حوزه اطلاع‌رسانی و راه‌اندازی کتابفروشی‌های الکترونیکی کتاب هم یارانه تعلق بگیرد.

دکتر پرویز: ایجاد کتابفروشی اینترنتی برای ناشران و بن کتاب اینترنتی مراحل کارش در حال اجراست. اینها هم خودش به رونق کتاب‌خوانی قطعاً کمک می‌کند. اما قضیه کتابفروشی و ویتترین جدی است. شما الان چند کتابفروشی سر راه مردم می‌بینید. اگر کتابفروشی‌ها گسترده باشد، مردم می‌ایستند، نگاهی ممکن است جلب توجه کند و کتابی هم بخرند. از سوی دیگر در سرانه هزینه خانوار هم جای مطالعه خالی است. خیلی از خانواده‌ها برای تحصیل فرزندشان هزینه می‌کنند، اما وقتی از او پرسیده می‌شود که چرا کتاب نمی‌خرید، می‌گوید قیمت کتاب بالاست. طرف سیگار می‌کشد، به او می‌گویید چرا کتاب نمی‌خرید، می‌گوید قیمت کتاب بالاست. البته تنها مطالعه نیست. در بعضی از امور دیگر مثل درمان هم در خانواده چیزی در نظر گرفته نمی‌شود. فرهنگ اینطور ایجاد کرده که برای سلامتی، کوچک‌ترین هزینه‌ای که بخواهیم بپردازیم، می‌گوییم خیلی گران است. در حالی که ممکن است برای تغذیه حاضر باشیم که هزینه بالایی بپردازیم. اما چون برای کتاب هزینه‌ای در نظر نگرفتیم، می‌گوییم گران است، باید این فرهنگ اصلاح شود و خرید کتاب هم در سبد خانوار جایی باز کند.

علیپور: به نظرم باید روی فرهنگ مطالعه کار شود. الان خیلی از جوان‌های ما از شخصیت‌های تلویزیونی کپی می‌کنند و حتی در طرز لباس پوشیدن و گفت‌وگوهایشان، از آنها الگو برداری می‌کنند. چرا هنگام ساخت این برنامه‌ها، آنها را در حال خواندن کتاب نشان نمی‌دهند که این فرهنگ ایجاد شود. یعنی کتاب به نوعی در سریال‌های تلویزیونی وارد شود. به نظرم بهتر است، وزارت ارشاد برای گسترش کتابخوانی به ساخت اینگونه مجموعه‌های تلویزیونی کمک کند و از شخصیت‌های مثبت این مجموعه‌ها در حال خواندن کتاب استفاده شود. این می‌تواند به فرهنگ مطالعه کمک کند که به جای حمایت مستقیم از ناشر، به سوی افزایش فرهنگ مطالعه برویم.

دکتر پرویز: اگر فضای رسانه، تلویزیون و رادیو را درخصوص ترویج غیرمستقیم کتابخوانی در سالی که گذشت، با سال‌های قبل مقایسه کنید، خیلی متفاوت بود. بعضی از مجموعه‌های تلویزیونی الان کتابخانه هم جزو دکورشان هست و قبلاً نبود. یا اشخاص داستان یا سریال در حال کتابخوانی هم مشاهده می‌شوند که قبلاً این اتفاقات نمی‌افتاد. این توصیه‌ها صورت گرفته و اقداماتی هم در این زمینه شده که نمونه‌اش سریال «دهد» بود که تولید فیلمنامه‌اش در خانه کتاب صورت گرفت و با حمایت کتابخانه ملی هم ساخته شد.

محسنی: از همه شرکت‌کنندگان در این نشست سپاسگزاریم.